

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۴۱ _ بخش اول _ ۳. «مصدقاً» _ ۴. «لما معکم»
تاریخ: ۱ آذر ۱۴۰۰
مصادف با: ۱۶ ربیع الثانی ۱۴۴۳
جلسه: ۱۷

(الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین)

خلاصه جلسه گذشته

آیه ۴۱ مشتمل بر چهار بخش است. بخش اول متضمن چند جزء است: «وَأَمِنُوا بِمَا أُنزِلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ». ما درباره «آمنوا» که خطاب به چه کسانی است و نیز درباره «ما أنزلت» سخن گفتیم. معنای این دو معلوم شد که «ما أنزلت» اشاره به چه چیزی دارد و امر به ایمان هم به چه کسانی متوجه شده است.

۳. «مصدقاً»

جزء سوم «مصدقاً» و چهارمین جزء «لما معکم» است. میفرماید ایمان بیاورید به آنچه که نازل کردم در حالی که مصدق است، این «مصدقاً» به چه معنا است. تارة در اینجا ما درباره تصدیق و کیفیت آن بحث می‌کنیم و آخری درباره متعلق تصدیق که «لما معکم» اشاره به متعلق تصدیق دارد؛ آنچه را که همراه شما است.

پس جزء سوم مربوط می‌شود به تصدیق. اینکه می‌گوید تصدیق کننده است، اشاره به چه چیزی دارد؟ ابتدا فرمود ایمان بیاورید به آنچه که نازل کردم که عرض شد اشاره به قرآن دارد. میفرماید به قرآن ایمان بیاورید، در حالی که تصدیق کننده آن چیزی است که همراهتان می‌باشد.

کیفیت تصدیق

بر این اساس آیا انتظار خداوند تبارک و تعالی از آن‌ها این است که به قرآن ایمان بیاورند در حالی که تصدیق کننده آن چیزی است که نزد آن‌ها است، این تصدیق چگونه معنا پیدا می‌کند؟ چون احتمال دارد «مصدقاً لما معکم» در توصیف قرآن باشد، یعنی می‌گوید ایمان بیاورید به آنچه برای شما نازل کردم یعنی قرآن، در حالی که قرآن تصدیق کننده است آن چیزی را که همراه شماست. این معنا از ظاهر آیه استفاده می‌شود. اینجا جای این سوال هست که قرآن چگونه تصدیق آن چیزهایی را می‌کند که نزد آن‌هاست.

احتمال اول

یک احتمال که ضعیف است، این است که سخن از مصدق بودن قرآن نسبت به تورات و انجیل است. اینجا وقتی می‌گوییم قرآن مصدق آن‌ها است به چه معنا است؟ آیا تصدیق فی الجمله دارد نسبت به «ما معکم»، یا تصدیق بالجمله دارد؟ یعنی قرآن همه آنچه را که در کتاب‌های آن‌ها (تورات و انجیل) هست را تصدیق می‌کند، یا آن‌ها مهمات و اصول را تصدیق می‌کند و نه همه احکام. به عبارت دیگر نسبت قرآن به عنوان مصدق کتاب‌های آسمانی یهودیان و مسیحیان آیا نسبت

تساوی است، یعنی هر آنچه که در قرآن است، در آن‌ها هم هست؟ یا عموم و خصوص مطلق است؟ یا عموم و خصوص من وجه است؟

ظاهر این است که این تصدیق از جهتی فی الجمله است، نه بالجمله. یعنی اصول و رؤوس اعتقاد موحدان در ادیان ابراهیمی یکی است. در تورات و انجیل بالاخره مسئله توحید، نبوت، معاد حتما بوده و در این دین هم توسط قرآن تصدیق شده. اخلاقیات هم همچنین؛ بالاخره انسان با توجه به ساختی که دارد معلوم است رذائل و فضائل او در اعصار مختلف تغییر نمی‌کند و راه سعادت هم روشن است، هر چند ممکن است ابزارها در زمان‌های مختلف متفاوت باشد.

پس اصول اعتقادی و اخلاقیات با مطالبی که مبرهن شده، ثابت می‌شود که قرآن مصدق است، تصدیق کننده است، اما در دایره احکام اینچنین نیست. به تصریح خود قرآن بعضی از احکام که بر امت‌های پیشین وضع شده بود، از این امت برداشته شده. بنابراین تصدیق تورات و انجیل بالجمله و تماما نیست، مگر اینکه بگوییم مثلا احکامی که در گذشته بوده در این دین نسخ شده. خود نسخ هم به نوعی جزئی از این دین است و به این اعتبار بگوییم پس تصدیق بالجمله است. اما این توجیه شاید تکلف داشته باشد. لذا به طور کلی می‌توان گفت مصدقا اشاره به این دارد که شما باید به قرآن ایمان بیاورید چون این قرآن مصدق و تصدیق کننده فی الجمله آن چیزهایی است که شما دارید، یعنی تورات و انجیل. اصل توحید که در کتاب‌های آسمانی بود، در قرآن هم هست. اصل نبوت و ارسال رسل در آن کتاب‌ها بود، در قرآن هم هست. نبوت موسی و عیسی (ع) در قرآن هم مورد تاکید قرار گرفته و بازگشت به سوی خداوند و روز جزا و در پیش بودن روز قیامت هم چیزهایی است که در قرآن بر آن تاکید شده؛ در ادیان پیشین و گذشته هم بوده.

پس تصدیق آن چهارچوب‌های کلی، اصول و خطوط اصلی زندگی سعادت‌مندانه در قرآن بیان شده و این تصدیق کننده آن چیزهایی است که نزد شما در (تورات و انجیل) هست.

بنابراین اگر بخواهیم بگوییم کیفیت تصدیق تورات و انجیل در قرآن چگونه است، می‌توانیم بگوییم این تصدیق فی الجمله است و نسبت محتوای قرآن با محتوای تورات و انجیل عموم و خصوص من وجه است. یعنی بعضی از امور بین قرآن و تورات و انجیل مشترک است، مانند چیزهایی که عرض شد. بعضی از امور در تورات و انجیل بود، اما در قرآن نیست و یا حداقل اینکه نسخ شده. بعضی از امور در قرآن هست و در تورات و انجیل نیست. به این اعتبار می‌توان گفت نسبت این‌ها عموم و خصوص من وجه است.

پس اگر این نسبت عموم و خصوص من وجه باشد، این «مصدقاً» می‌شود مصدق فی الجمله. تنها در یک صورت می‌توان گفت نسبت این‌ها عموم و خصوص مطلق است، یعنی قرآن عام مطلق است نسبت به تورات و انجیل و آن اینکه بگوییم بالاخره احکامی را هم که در شریعت مسیحیت و یهودیت بوده، و تورات و انجیل به آن اشاره کردند و اینجا نسخ شده، به یک معنا خود این دربردارنده آن احکام می‌شود. پس چیزی نیست که در مثلا تورات و انجیل بوده باشد اما در قرآن نباشد ولو در قالب نسخ. اگر چنین باشد، می‌توان گفت اینجا نسبت عموم و خصوص مطلق است.

۴. «لما معکم»

در ادامه میفرماید: «لما معکم»، یعنی در حقیقت این می‌شود جزء چهارم که چیزی را تصدیق می‌کند. البته اگر بخواهیم دقیق‌تر درباره «مصدقاً» و نسبت قرآن با تورات و انجیل سخن بگوییم، باید محدوده «ما معکم» را معین کنیم. به عبارت دیگر باید متعلق تصدیق معلوم شود تا کیفیت تصدیق و چگونگی تصدیق مشخص شود که با توضیحی که درباره «ما معکم» می‌دهیم، این مطلب بیشتر روشن می‌شود.

در مورد اینکه منظور از «ما معکم» چیست، حداقل دو قول وجود دارد:

احتمال اول

یک قول این است که «ما معکم» اشاره دارد به تورات و انجیل. یعنی میفرماید: «مصدقاً لما معکم» ای مصدقاً للتوراة و الإنجیل. یعنی شما به قرآن ایمان بیاورید در حالی که قرآن مصدق تورات و انجیل است. یعنی می‌خواهد بگوید ایمان به قرآن در حقیقت تأکید ایمان به تورات و انجیل است. چون در قرآن از موسی و عیسی به عنوان نبی خدا یاد شده، و نیز تورات و انجیل به عنوان کتاب‌های آسمانی ذکر شده و اینکه تورات کتابی است که خدا بر موسی نازل کرده و انجیل کتابی است که بر عیسی نازل کرده. پس اگر شما به قرآن و محتوای قرآن ایمان بیاورید، در حقیقت این ایمان شما نه تنها منافاتی با ایمان گذشته شما به تورات و انجیل ندارد، بلکه تأکید همان محسوب می‌شود. یعنی می‌خواهد بگوید لا منافاة بین دین شما، کتاب شما و اسلام و آنچه که قرآن گفته. کأن این در حقیقت تأکیدی است بر دین و کتابی که به آن معتقد بودید.

پس یک احتمال این است که «و آمنوا بما أنزلتُ مصدقاً لما معکم» یعنی ایمان بیاورید به قرآن در حالی که قرآن مصدق تورات و انجیل است.

احتمال دوم

احتمال دوم این است که آن بشارتی که در تورات و انجیل به پیامبر و قرآن داده شده، اگر به قرآن ایمان بیاورید تصدیق کننده همان چیزی است که در دین شما، در کتاب شما، در تورات و انجیل شما بیان شده و آنهم بشارت به آمدن پیامبر است.

در این صورت معنا مقداری متفاوت می‌شود، یعنی کأن می‌خواهد بگوید شما باید ایمان بیاورید به آنچه که نازل کردم به قرآن که این قرآن مصدق آن چیزی است که در کتاب شما آمده من البشارة بمحمد (ص) و بالقرآن. یعنی در تورات و انجیل شما هم به نزول قرآن و هم به نبوت پیامبر بشارت داده شده و حتی نشانه‌هایی برای آن ذکر شده.

فرق دو احتمال

فرق این دو احتمال چیست؟ اینکه بگوییم منظور «ما معکم» خصوص بشارت به پیامبر است که در تورات و انجیل آمده، یا به مطلق تورات و انجیل است.

طبق احتمال اول در حقیقت کأن گفته می‌شود ایمان بیاورید به آنچه که من نازل کردم که قرآن است و این قرآن مصدق کتاب های آسمانی شما است بالجمله. یعنی هر آنچه که در آن آمده مورد تصدیق قرار گرفته، چه در تورات و چه در انجیل. یعنی کأن ایمان به قرآن تاکید می‌کند ایمان به تورات و انجیل را، اما از آن‌ها نمی‌خواهد که به پیامبر ایمان بیاورید. اما طبق احتمال دوم در حقیقت می‌گوید به قرآن ایمان بیاورید که مصدق بشارت هایی است که به شما در تورات و انجیل داده شده، حال یا بشارت به پیامبر و یا قرآن. در حقیقت این درخواست ایمان به پیامبر و نبوت پیامبر هم هست. چون از صرف ایمان به تورات و انجیل که ایمان به پیامبر معلوم نمی‌شود. اینجا نمی‌خواهد بگوید که شما به قرآن ایمان بیاورید چون مؤکد تورات و انجیل است، بلکه می‌خواهد اعتقاد به نبوت پیامبر را مطالبه کند. لذا «ما مَعَكُمْ» چه بسا اشاره به این جهت دارد، یعنی بیشتر ناظر به بشارتی است که تورات و انجیل به اسلام و به پیامبر داده شده، نه کل تورات و انجیل که در حقیقت درست است که ترغیب به ایمان به قرآن است، اما به صورت کلی می‌گوید قرآن هم دارد همان‌ها را می‌گوید. ترغیب به اسلام و مسلمانی هست، اما اگر گفتیم به خصوص دارد به آن نکته دارد تاکید می‌کند، در حقیقت دارد این‌ها را ترغیب می‌کند به ایمان به نبوت پیامبر.

با توضیحی که دادیم بخش اول آیه تمام می‌شود.

سوال:

استاد: اینکه می‌گوید «مصدقاً لما مَعَكُمْ» مسلماً تورات و انجیل غیر محرف منظور است؛ چون در بعضی از آیات اشاره به تحریف این کتاب‌ها شده. در اینکه تورات و انجیل تحریف شده بحثی نیست و قرآن هم به آن اشاره دارد و در مقابل تحریفی که نسبت به آن کتاب‌های آسمانی صورت گرفته اینجا تاکید می‌کند «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». ادله ای که برای عدم تحریف در اینجا ذکر می‌کنند، برای این است که در کتاب‌های آسمانی پیشین این تحریف رخ داده بود. آنوقت طبیعتاً آنچه که اینجا می‌فرماید «مصدقاً لما مَعَكُمْ» حتماً ناظر به تورات و انجیلی است که تحریف نشده باشد، و الا چطور یک کتاب آسمانی مانند قرآن می‌تواند تصدیق‌کننده کتابی باشد که مشتمل بر مطالب غیر حقیقی و ناصحیح باشد و تحریف شده باشد. یعنی چیزی را که از ناحیه خدا نیست، به نام خدا بیان کرده باشد؛ معنای تحریف در کتاب آسمانی هم یعنی همین.

سوال:

اساد: بله علی‌رغم تحریف. این خودش یکی از مؤیدات احتمال دوم است. اتفاقاً اینکه تورات و انجیل تحریف شده بودند و این دارد می‌گوید «مصدقاً لما مَعَكُمْ» ولی در همان تورات و انجیل تحریف شده مسئله بشارت به قرآن و پیامبر بوده و تحریف نشده بود. یعنی آن موجود بود و در بخش‌هایی تحریف صورت گرفته بود. این را هم سعی می‌کردند کتمان کنند اما بالاخره نزد عالمانشان موجود بوده و می‌دانستند.

«والحمد لله رب العالمین»